

## دانش آموز

## پرسشگر

دکتر حسن نادعلی پور

دکترای علوم تربیتی

زهرا اسدی آقباغی

دبیر آموزش و پرورش ناحیه یک شهرکرد

فعالیت دیگری را که در جست و جو و گفت و گو با همکاران و دانش آموزان به آن پی بردم، این بود که دانش آموزان من اطلاعات کمی نسبت به مسائل و موضوعات مطرح شده در کلاس درس دارند. همین باعث می شود واژگان پایه و اطلاعات کمی برای جست و جوی مطالب خود برای ارائه در قالب سؤال و در کلاس درس داشته باشند.

برای حل این مشکل تلاش کردم در ساعت های خاصی و با هماهنگی دبیر ادبیات فارسی، دانش آموزان من داستان ها، اطلاعات، اخبار راجع به مسائل و ایده های کلیدی و مرتبط با موضوعات درسی را از قبل جمع آوری و بررسی کنند. اگر چه ممکن بود در ابتدا دانش آموزان سؤالات غیر مرتبطی مطرح کنند، ولی هدف من از این کار واژه پردازی، داشتن دانش زمینه ای برای جرئت پیدا کردن و داشتن مهارت برای صحبت کردن در کلاس درس از طریق پرسشگری بود. این هدف با تمرین و تکرار در کلاس درس گسترش پیدا می کرد.

فعالیت سوم و پایه ای من از بین بردن ترس از پرسیدن سؤالات غیر مرتبط و اشتباه در کلاس درس بود. در این زمینه چند تغییر کوچک در رویه کلاس داری خویش ایجاد کردم و با همه دانش آموزان قرار گذاشتم هیچ کس به مطرح شدن پرسشی نادرست یا دارای اشکال از طرف دوستش خرده نگیرد.

من به عنوان معلم، در شروع فرایند تشویق دانش آموزان به پرسشگری، همه پرسش های آنان را، چه مرتبط و چه غیر مرتبط، علمی یا غیر علمی، در مرتبه اول تحسین می کردم. همچنین، فرد پرسش کننده را تشویق می کردم (البته در ادامه و به صورت غیر مستقیم تلاش کردم در طول سال اشتباهات دانش آموزان را به وسیله خودشان یا هم کلاسی هایشان اصلاح کنم).

فعالیت دیگر من در این زمینه، آگاه کردن دانش آموزان از این موضوع بود که وقتی من سؤالی از آن ها می پرسم، هدفم لزوماً گیرانداختن آن ها نیست، بلکه هدفم این است که بدانم آن ها تا اینجای درس به چه میزان آموخته اند تا در ادامه از یادگیری آن ها پشتیبانی کنم. این موضوع را همیشه در کلاس هایم گوشزد می کردم تا دانش آموزان نیز بیاموزند سؤالات خود را برای معلم و یادگیری بیشتر در کلاس درس مطرح کنند.

به آن ها یادآوری می کردم، هدف من لزوماً دریافت پاسخ درست از طرف شما نیست، بلکه ما حتی می توانیم از پاسخ های اشتباه خود یاد بگیریم.

همیشه فکر می کردم چگونه می توانم قدرت پرسشگری دانش آموزانم را در کلاس افزایش دهم. بعضی مواقع سکوت بچه ها و نگاه های بهت آور آن ها در جریان کلاس مرا نگران می کرد. هر گاه از آن ها می پرسیدم کسی سؤالی ندارد، همه می گفتند خیر. ولی من می دانستم آن ها سؤال دارند، و این برایم عجیب بود که چرا سؤالات خود را در کلاس مطرح نمی کنند! تصمیم گرفتم در این زمینه اطلاعاتی را از همکارانم، منابع مختلف و مقالات جمع آوری نمایم تا بدانم که ایراد در کجاست؟ موضوع را در جلسات شورای معلمان مطرح کردم. هر کدام از همکاران پیشنهادهایی در این زمینه ارائه کردند.

کار دیگرم این بود که موضوع را با خود دانش آموزان نیز در میان گذاشتم؛ البته در فضایی دوستانه و خارج از برنامه درسی. نظرات دانش آموزان برایم بسیار ارزشمند بود.

دانش آموزی گفت: «ما نمی دانیم چگونه سؤالات خود را مطرح کنیم و به دلیل ترس از اینکه سؤالاتمان اشتباه باشند، آن ها را مطرح نمی کنیم.»

دانش آموز دیگری با شوق و ذوق فراوان گفت: «اگر من بدانم چگونه باید سؤالات خود را در کلاس مطرح کنم، بدون هیچ گونه ترسی آن ها را در کلاس مطرح می کنم.»

نفر سوم با اظهار نظر خود مرا به شگفتی وا داشت: «خانم، من نمی دانم چه چیزی پرسم؟»

دیگری گفت: «من سؤال دارم، ولی نمی دانم چگونه پرسم.» این نظرات و مطالعه منابع مرا مصمم کردند برای توسعه پرسشگری خود و دانش آموزانم در کلاس های درس اقداماتی انجام دهم. در مدت کوتاهی نکات جمع آوری شده را در کلاس درس خود اجرا کردم. اثرات آموزشی و تربیتی مثبتی در کلاس من شروع به خودنمایی کردند.

از جمله کارهای اولیه ام این بود که در ابتدا به خودم عادت دادم پرسشگری را در کلاس هایم به عنوان ارزش قلمداد کنم. مثلاً به دانش آموزانم گفتم، هر موقع که پرسشی دارند، دستشان را بالا ننگه دارند، نه در هنگام پاسخ دادن. اتفاقاً به آن ها گفتم هر موقع من سؤالی داشتم، دستشان پایین باشد. وقتی دانش آموزان فقط برای پرسیدن دستشان را بالا می گرفتند، بلافاصله در هر زمان و مکانی از تدریس بودم، به آن ها اجازه می دادم پرسش خود را مطرح کنند. من حتی به کسانی که سؤالات مرتبط با موضوع مطرح می کردند، بازخوردهای مثبت می دادم.